

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۲۷۵

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات لیلی از دستور)

اول امر دادگاه ۱۳۱۲ - ۲۹ ربیع الاول ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۷۱

قیمت اشتراک } مسایله } داخله ۲۵ ریال
 } خارجه ۱۰۰ ریال } نک شماره : در ریال

بعایت مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه اول مرداد ماه ۱۳۱۲ # (۲۹ ربیع الاول ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور اول لایحه راجع بطبابت اطباء خارجی

۲) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردند)

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و پنجم تیرماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند # #

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲- شور اول لایحه راجع بطبابت اطباء خارجی

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع بطبابت اطباء خارجی قرائت میشود :

خبر کمیسیون

کمیسیون داخله لایحه نمره ۹۰۴۶ دولت راجع به طبابت اطباء خارجی در ایران را با حضور آقای کفیل وزارت داخله مورد شور و مذاقه فرار داده و با اصلاحی تصویب اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینماید :

ماده ۱ - دولت می تواند با طباء و دندانسازان

و قابله های اتباع خارجه اجازه بدهد که بشغل خود در ایران اشتغال ورزند مشروط بر اینکه علاوه بر دیپلم فراغ تحصیل از مدارس که بموجب نظامنامه از طرف وزارت معارف معین خواهد شد مدارکی ارائه دهند که لااقل پنجسال اشتغال آنها را مستقلاً بشغل خود در وطن خود مدلل دارد .

ماده ۲ - اداره کل صحیه بر طبق نظامنامه که بتصویب وزارت داخله خواهد رسید جواز و محل اشتغال داوطلب را در هر نقطه که صلاح باشد صادر و معین خواهد کرد .
ماده ۳ - اطباء و دندانسازان و دندانسازان و قابله های اتباع خارجه که قبل از این تاریخ در ایران اشتغال بمشاعله خود داشته اند نیز مشمول این قانون و دو نظامنامه مزبور

عین مذاکرات مشروح بیست و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون د اند ۱۳۰۵)

دائرة تهیه نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده .

غائبین اجازه - آذین - نازی - حاج میرزا حسن خان اسفندیاری - امامی خوئی - مسعودنابش - طباطبائی روجردی - یونس آثاره ابزاده
مؤخر - جای چی - کورس - مدلل - کازرونی
دیرآمدگان بی اجازه - آذین - اسدی - بیان - دکتر ادهم - مفصل - نوام - شریعت زاده .

خواهند بود ولی مدت مذکور در ماده دوم در مورد آنها فقط دو سال لازم‌الرعایه است.

ماده ۴ - هر وقت هیئت وزراء عده اطباء و دواسازان و دندانسازان و قاپه‌های اتباع خارجه را در ایران کافی بداند وزارت معارف از رسیدگی به دیپلم پاشاهدنامه آنان خود داری کرده و وزارت داخله جواز اشتغال نخواهد داد.

ماده ۵ - وزارت معارف و وزارت داخله مأمور اجرای این قانون می‌باشند.

رئیس - راپرت کمیسیون معارف در این خصوص قرائت می‌شود.
نخبر کمیسیون:

کمیسیون معارف با حضور آقایان کفیل وزارت معارف و کفیل وزارت داخله تشکیل و لایحه دولت راجع بجواز طبای خارجی را مطرح نموده پس از مذاکرات لازمه بالاخره از قطع نظر معارفی بالایحه مزبور موافقت حاصل شد.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای روحی
روحی - عرض کنم که این لایحه بعد خودش خیلی بوقع بوده است و البته تا بحال هم بالنسبه باین موضوع يك شفقت‌هایی شده است ولی در این لایحه عجبائاً بنده يك تقيصه می‌بینم و یکی از قاصص هم این است که طبای خارجی را که قبل از این قانون در ایران طبابت می‌کردند آنها را معاف داشته است از اینکه مدارک پنج سال طبابت در وطن خودشان را ارائه دهند در صورتی که ضرورت داشت اینها را هم مثل آنها ضمیمه می‌کردند که واقماً اگر اینها هم حقیقاً يك معلوماتی دارند باز طبابت بکنند و اگر ندانند آنها هم باز شامل همان طبابتی بشوند که از این بید می‌خواهند در این مملکت مشغول طبابت بشوند و یکی دیگر موضوع امتحان است که هیچ در این قانون اسم برده نشده است امروز حوزه علمی طبی ایران مخصوصاً در طهران با طبای عالی مقام ایرانی که خودمان در طهران داریم بعد کافی می‌تواند باندازه که لازم است این اطباء را امتحان کند که در مورد يك مریض چطور معالجه بکند، چطور معاینه بکند، چطور

معروف کند اما راجع بامتحان که فرمودید موضوع امتحان طوریست که باز در نظام نامه که تنظیم خواهد شد بر آقایان سام خواهد کرد که ابدأ ما محتاج نیستیم این جناب اشخاص را بمرض امتحان بگذاریم برای اینکه شرایطی طوری است که مثلاً ملاحظه فرمائید که يك قری که در برلن تحصیل کرده است و در آنجا هم پنجسال طبابت کرده است و همه جور امتحاناتی را داده است در مریضخانهها کار می‌کند چه کسانی که وارد مرحله عمل می‌شوند این جا گذاردن مورد ندارد به علاوه وضع امتحان هم در ممالک خارجه بطوری کامل است که هر کس که در هر خط و رشته مخصوصی که می‌خواهد داخل طبابت بشود امتحان کامل و دقیقی باید بدهد چه آنها که در مریضخانه کاری کند چه کسانی که وارد مرحله عمل می‌شوند بنابراین بنظر من هر چه می‌رسد که بهیچوجه موضوع امتحان مورد نخواهد داشت (صحیح است)

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم که در این سنوات اخیر يك عده زیادی اطباء از خارجه بمملکت ما آمده‌اند و اگر آنها هم در مرکزین و شروع بکار هم کرده‌اند و بقیه خیلی‌ها استفاده زیادی هم کرده‌اند باز بررسی هم بوده است و خوشبختانه حالا دولت متوجه شده است و برای آنها يك لایحه قانونی تهیه و تقدیم کرده است و برای آنها يك نظامات و مقرراتی را قائل شده است البته این خیلی لازم بوده است خیلی نافع هم هست ولی يك نکته‌ای هست که بنده می‌خواستم این جا بعرض برسانم شاید لازم باشد که باین قسمت‌ها يك توجهی بشود. بقیه بنده مملکت ما از حیث طیب اطباء درجه اول بقدر کافی دارد و دیگرهای دارای دیپلم عالی دارد بنده خیال می‌کنم که در آن نظام نامه که قید شده است باید طبابتی اجازه بدهند که در مملکت ما مشغول طبابت باشند که اینها از طبای درجه اول باشند و حاذق باشند و بحال مردم مفید باشند پس يك طبای عادی و معمولی باشند که اخذ دیپلم کرده باشند و در واقع بخواهند که بپایند این جا و يك از ترقی کرده باشند زیرا اگر بخواهیم احصایه تهیه کنیم مدرسه طب فعلی ما و محصلینی که بقرنك فرستاده شده‌اند در آتیه

تزدیکی يك عده طبیبی با ما خواهند داد باید پیش‌بینی هم کرد که این طبیبانی که فعلاً بقرنك رفته‌اند مراجعت می‌نمایند و محصلینی هم که در مدرسه طب هستند و بیرون می‌آیند برای اینها هم بحال و موقفی باشد که اینها هم بتوانند استفاده کنند ببقیه بنده باید هر کدام از این طبیبی خارجی که دارای دیپلم عالی هستند و مفید هستند و وجودشان نایاب است باینجا اجازه بدهند که در اینجا باشند و خدمت کنند والا باشخاصی که از دکترهای عادی هستند ما هیچ احتیاج نداریم برای اینکه اینها در مملکت خودشان هم که بوده‌اند شاید مورد توجه نبوده‌اند آمده‌اند اینجا و يك اشخاصی هم هستند که اطلاع ندارند و از بی اطلاعی باینها مراجعه میکنند و يك استفاده‌های نامشروعی هم میکنند البته همه آقایان دارند يك قسمتهائی را که بکده طبیبی که بالاخره مراسله به آقایان نمایندگان فرستاده‌اند اینها يك اشخاص عالی مقامی هستند و اظهارات اینها مورد اعتماد و اطمینان است نسبت بمجلس شورای ملی و ماها بکده طبیبی آمده‌اند در این شهر هم بنظر که در آن مراسله آقایان ملاحظه فرموده‌اند يك کار های خیلی نامطربی هم از شان دیده شده است که شاید هم دیده شده است که بنده نمی‌خواهم تفکر بدهم برای اینکه خیلی از آقایان شنیده‌اند که يك اقدامات نامطلوبی کرده‌اند دلایل هم این بوده است که خود سرانه یا می‌شده می‌آیند اینجا و هر کاری داشته باشند می‌کنند و تا وقتی که يك کار زشتی از اینها آشکار نشود و تحت تعقیب واقع نشود بیست فاسی تا کار زشت کرده است تا بگذرانی گیر می‌افتاد تازه يك شخص مؤثری اگر بوده است و تعقیب می‌کرده تازه چه میشده است یا تحت محاکمه وارد میشود یا ممنوع میشود آنوقت يك تلفاتی هم این شخص داده است بنابراین بنده عقیده‌ام این است که اشخاصی که از خارجه وارد میشوند يك طبیبی عالی مقامی باشند که نادر باشد و وجودشان برای ما مورد استفاده باشد والا این طبیبی معمولی اگر باشند و بیایند اینجا و يك

کار هائی بکنند و مشمول يك مقرراتى هم نباشند و بعد هم از هر جور عوارضى همانطور كه آقایان اطباء در آن مرسله نوشته اند معاف باشند معنی ندارد دیگران هم هستند در مملکت كه اقامت دارند و عوارض مملكتى را هم تحمل میکنند و قسمت دیگری را كه بنده میخواهم عرض كنم این است كه این اطباء را در آن نظامنامه تصریح كنند كه بیشتر برای ولایات در نظر بگیرند آن روز هم در فراكسیون عرض كردم الان اداره صحیه وقتى كه يك پستهاى برای صحیه گذاشته است مأهورینى ندارد كه بفرستد و بالاخره ایالات و ولایات هم از نعمت صحیه و طب باید استفاده كنند این آقایان اطباء بالاخره بعقیده بنده در مركز بقدر كافی طبیب هست شاید هم قدری بیشتر باشد ولی ولایات هیچ ندارند و گاهى از اوقات كه ما احتیاج پیدا میکنیم يك طبیب برای يك محل میخواهیم بفرستیم حقوق كافی هم داده مى شود معذالك نمیروند و حاضر نیستند بروند پس باید اینجا استفاده كرد اینهاى كه از خارج میخواهند بیایند این ها را مجبورشان كنید كه بدستور صحیه نقطه توقفشان را در ولایات قرار بدهند والا اگر این كار را تكذیب اینها همه مایل هستند كه در طهران بمانند و ولایات باز محروم مى شوند و از طبیب نمیتوانند استفاده كنند و خیال میکنم این يكى از نكاتى است كه اغلب از نمایندگان محترم ولایات با این منظور موافق باشند باین جهت خواستم عرض كنم كه اگر موافقت فرمایند كه قيد شود در نظامنامه كه این اطباء خارجى كه دولت با آنها اجازه میدهد بر طبق مقرراتى بیایند اینها مكلف باشند در ولایات اقامت داشته باشند و در خود قانون هم تصریح شود بهتر است كه اینها بامر و دستور صحیه بروند ولایات و مورد استفاده واقع شوند.

كفیل وزارت داخله - بنده تصور میکنم فرمایشات

نماینده محترم را كاملاً با همین مواد و نظامنامه هائى كه تنظیم خواهد شد میشود تأمین كرد. موضوع اینکه میفرمایند در قانون قيد شود كه اینها را مأهور كنیم

قانون سابق يك دیپلم هائى عجیب و غریبى آمد و تصویب شد و رفت و بنده همیشه مخالفت میکردم ولی اینقانون لازم است و خیلی هم متشكر هستیم از دولت كه این قانون را آورده است ولی بنده بطوری كه نظرم هست نفس میدانم این را از نقطه نظر امتحان - اگر چه فرمودند امتحان لازم نیست برای اینکه این جا شرط شده است يك طبیبى در محلى كه هست امتحان میدهد پنجسال هم در آنجا در وطن خودش طبابت میکند آنوقت بطور ما بیاییم و او را امتحان كنیم هیچ مانعى ندارد ما اطباءى دیگری را كه در آنجا تحصیل کرده اند (خودم را عرض نمیكنم) در امتحانات حاضر بودند میشود در وزارت داخله در اداره صحیه تحقیقات بكنند خیلی ها هستند در آنجا امتحان داده اند و واقعا در امتحانات كلینىكى در مدرسه طب این جا رد شده اند خیلی اتفاق افتاده است از رفقای خودمان هم بوده اند و هستند اسم ایشان را هم میدانم عرض میکنم بعد هم میروند در الجزایر یا جاهى دیگر هم میمانند اینها از آن اطباءى كه در شهر لندن یا پاریس و شهر های معروف طبابت کرده اند و مشهور هستند نیستند اینها در فلان باروك طبابت کرده اند و قتیكه میآیند اینجا آنوقت میکوبند چرا امتحان نكنیم این اطباء را بنده عرض میکنم كه چرا امتحان بكنیم اطباءى خارجى را بنده سه قسمت تقسیم میکنم - يكى آنهاى هستند كه مقامات خیلی عالی دارند پرور و ورند مشهورند معروفند البته این ها در هر چى دنیا بروند هیچكس از آنها امتحان نمیکند و مورد احترام همه هم هستند (صحیح است) يك عده هم اطباءى هستند كه اطباءى سفارتخانهها هستند و مختارند كه اتباع خودشان را معامله كنند - يك قسمت هم سایر اطباءى خارجى هستند كه میخواهند سایر مرضای ایرانى را معامله كنند ما میخواهیم با این قانون و بتوسط این قانون بگوئیم كه با این قانون شما ایرانیهای هموطن ما وقتى كه ناخوش شدید

جان خودتان را میتوانيد بسیار بدین طبیب این درست ولی ما باید اطمینان هائى محكم تری پیدا كنیم بعد این كار را بكنیم - گفته میشود كه گاهى ما بعضى از اطباءى داریم كه اطباءى بجزازند و يك امتحانى هم داده اند بآنها اجازه داده ایم كه طبابت بكنند در اینصورت بطور ما میتوانیم يكى كه پنجسال در اروپا طبابت كرده است از او امتحان كنیم ؟ بعقیده بنده هیچ مانعى ندارد . مال ما موقتى است ما هیچ طبیب مجازى را نخواهیم پذیرفت كه دیپلم دكتر را باو بدهیم مگر اینکه مدرسه طب را تمام كند راجع باطبایى خارجى هم در این صورت میتوانیم بگوئیم بیایند و امتحان بدهند . چه مانعى دارد ؟ ما تا حالا باطبایى خارجه اجازه داده ایم ولی از حالا مانع میشویم مگر اینکه امتحان بدهند . بنده اینجا كه عرض میکنم مانع میشویم مقصودم این نیست البته اطباءى خوبى هستند كه تحصیل کرده اند و میآیند در اینجا خوب چه ضرر دارد بیایند و يك امتحانى بدهند . مگر امتحان نك است ؟ چه عیبى دارد ؟ نیکوئیم كه بیایند امتحان تشریح بدهد و از اول بیاید و امتحان بدهد . خیر بیاید يك امتحان كلینىكى بدهد امتحانى كه در همه جا از اطباءى خارجه میطلبند و او اعلام تلغای طب باشند وقتى كه از يك مملكتى مملكت دیگر رفت از او يك امتحان كلینىكى در ربع ساعت میکنند چه مانعى دارد ؟ بنده عقیده دارم كه حالا فعلا در مملكت (خودم را عرض نمیكنم برای اینکه بنده در منصب نیستم یا اگر هم باشم مجازى است اغلیتس هم در شیر و خورشید سرخ هستم) ولی اطباءى خیلی عالی مقامى داریم كه تحصیلات خیلی عالی کرده اند در خود كلاسهای عالی اروپا هم اول شده اند در همان مدارس عالی و فاكولته ها و اینها هم حق امتحان كردن دارند و بقول اروپائىها پروریتسه دارند در فرانكستان هم معمول است هر كسى كه يكسال زودتر از مدرسه بیرون آمده است او مقدم است و او حق دارد از او امتحان كند دومی هم مخالفت نمیکند و همین اطباءى

ایرانی همانطور که اروپائیان تحصیل کرده اند اینها هم کرده اند بدرجه اکتزنی رسیده اند بدرجه انزنی رسیده اند و خیلی هم خوب تحصیل کرده اند بلاوه پس فردا بکنیم زبانی ایرانیهای دیباچه ما وارد خواهند شد چه عیبی دارد که این عمل درباره آنها هم اجرا شود و بنده پیشنهادی هم تقدیم میکنم هیچ عیبی ندارد که نمایندگان دولت ایران هم تصدیق کنند و ایضا کنند که اینها کار کرده اند يك امتحان كتابچي است که ایرانیها میکنند سه شنبه ساعت است طولی هم نمیکشد فقط امتحان مریض است که مریض را میاروند که این طبیب به بیند چه مرضی دارد سه نفر هم از نمایندگان دولت و اطباء که حق امتحان کردن دارند میبند البته عرض کردم بشهر و نورهی عالی مقامی هستند که وقتی که میبند بایران همه قسم محترم هستند و کسی از آنها امتحانی نمیخواهد ولی اشخاص دیگری هستند جوانهایی هستند که میبند بایران و بگویند که طبیب هستیم برای اینها چه تنگی دارد چه عیبی دارد که در اینجا هم يك امتحانی بدهند ما هم تصدیق میکنیم که این آمد و امتحان داد و خیلی هم قابل بود اگر میترسد که نرس ندارد غیر از این هم که دیگر کاری با او نیست بنا بر این بنده عقیده ام این است که این قانون هم ناقص است و شبیه به همان قانونی است که در بیست سال قبل گذرانیدم البته این قانون تا اندازه بهتر است که پنجسال علاوه شده است ولی راجع بدیباچه ها می گویم که در اینجا میخواهند دیباچه کنند باید اصلاح شود و بنده عقیده دارم که مرضی ایران حق دارند تقاضا کنند که حتی الامکان از آنها می که چنانچه را بدستشان می سپاریم اطباءشان داشته باشند برای اینکه چنانچه در دست اوست و پول باو میدهد علاوه بر این باید يك پولی هم اطباء بدهند و باید يك وجهی که يك طبیب ایرانی از بدو ورود تحصیل طب بدهند تا وقتی که دیباچه بگیرند اینرا هم باید در نظر گرفت نه اینکه وقت بیاید و وقت برود چنانکه اطباء ما تا وقتی جای دیگر بروند آنها می که دیباچه های خیلی صحیح دارند اشکال تراشی برایشان میکنند و نمیگذارند طبابت کنند

و کلمات باشد باید بیاید در مقابل اطباء ما بنشینند و امتحان بدهد که این برای حس ملی ما و باصلاح يك لغتی از برای ما خواهد بود که این شخص هر قدر هم عالی مقام باشد باید در مقابل بجز من بنشیند و از او امتحان کنیم بنده که تصور نمیکم نظر ایشان اینطور باشد مقام ایشان و مقام فکریشان که یکوقتی هم مقام بنده بوده البته از این نظر نیست که اطباء را اینطور بخواهند امتحان کنند پس نظرشان بلند است که ما چون میخواهیم يك نتیجه خوبی بگیریم این کار را بکنیم یعنی چه؟ یعنی وقتیکه ما اجازه میدهیم يك کسی بنشیند ایرانی را بگیرد ما از او کلاما مطمئن باشیم البته نظر ایشان این است که هر خارجی که ساکن ایران است خبر هر کس در ایران ساکن است اعم از خارجی یا ایرانی وقتی جنس يك مریض را بگیرد که ما کلاما اطباءشان پیدا کرده باشیم که در معاوضات این شخص ذرا عیب نیست مقصود بر این است ولی به این شکل که ما دلمان خوشی باشد از اینکه بما امتحان داده است (بگریح آقا فرمودند) یادقن نرود که معاوضاتی را در بگریح امتحان کنند و ضمناً هم فرمودند يك فرور البته اینست عرض میکنم پس مقصود ما نتیجه است خوب حالا ما باید به بینیم این ایرانی که ما آفتاب دلمان بخالت میوزد و نبض را هم که میخواهیم بدست يك اشخاصی بدهیم چه اشخاصی باید باشند آقا طبیب مجازی را که هر روز بر می داریم بدستش دیباچه میدهیم و چنان این مردم در دست آنهاست آنچه ها خوا این وقت را کرده اید باید در عین اینکه باید سعی داشته باشیم و ملک خود ما را از احتیاج باشخاص خارجی و منفی بماندیم در عین اینکه ببقیه بنده هر ایرانی صحیح النسبی باید واقفاً منصوب در این باشد که اگر ممکن است ما همین امروز رفع احتیاجاتی را بکنیم و فردا نیندازیم ولی مذهباً باینی يك نهیبات جاهلان را نسبت بخارجی ها نداشته باشیم و نه نسبت بخارجی ها نظر بعضی داریم و نه از طرف

دیگر يك عملی را که نسبت بایرانی نمیکیم در باره آنها نمیکیم . از روی ناچاری عرض میکنم يك کسی که معاوض نیست فارای چه معاوضاتی است و چه معاوضاتی کرده است او را امتحان را بگذاریم طبیب مجاز آنوقت يك کسی که دیباچه دارد پنج سال هم در جای دیگر تجربیاتش را کرده است و بالاخره هر چه هم که باید در عمل یاد بگیرد یاد گرفته است در اینجا باو بگوئیم که آقا بیا امتحان بده . یکی امتحان بدهد . بنده تصور میکنم که اگر ما بیایم و از نقطه نظر آن نتیجه که میخواهیم بگیریم بهتر این است که به همین اندازه که دولت پیشنهاد کرده است آفتابان هم خوبست و واقفتر میند بفرمایند اغلب آفتابان می آیند و واقفان هم معاوضت به بعضی دیباچه ها از انبوه رسیده کجاست و از کدام مدرسه طب عالی کدام لقبه است و واقفند يك معالمانی است که معاوضاتی کافی نیست ولی معالمان می آیند و بروند و معقول کار میدوند و معالمان هم جمع میدوند در نقاطی که دلمان میخواهد در صورتیکه آنها اگر اجازه بدهند در همان مناطقی است که احتیاج دارند آنها در هر نقطه ای که اگر بنا باشد اهل معالمان خودشان را به بینند هستند و می آیند و بيك خارجی اجازه بدهند ما هم اگر امروز اجازه میدهیم برای این است صاف پوست کتده و بدون اینکه بهمان بر بخورد برای این است که احتیاج داریم و آن روز هم که احتیاجات رفع شد بهمان اجازه داده نخواهد شد حالا خوب بینیم در کجا احتیاج داریم يك وقتی است که آقا می آیند و طهران را نگاه میکنند خبر مادر طهران هیچ احتیاج نداریم خودمان اطباء داریم و اطباء خارجی هم هستند و شهر های دیگری است که کسی نیست ما میگوئیم اگر شما میخواهید در معالمان ما طبابت کنید تعریف ببرید آنجا پس ما وقتی که آمدیم و به همین اندازه شروط قرار دادیم یعنی يك وقتی يك کسی آمد که واقفاً دارای يك معاوضاتی است (نه اینکه باصلاح معقول دلاکی را از سر کچل ما یاد بگیرند) در تحصیلانی کرده است دیباچه هم دارد پنجسال هم واقفاً

طبابت کرده باشد باین دقتها مادرچائی که احتیاج داریم اجازه بهشان بدهیم بروند بنده تصور میکنم که این آن حد معقولی است که ما از نقطه نظر تاجیه گرفته باشیم والا اگر آن قسمتی که میفرمایند باشد بر میگردد به اینکه در يك ربع ساعت يك فورمالینه بعمل آمده باشد از برای اینکه ما دانه را خوش کرده باشیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

امیراعظم - بنده يك توضیحی دارم

رئیس - منعی ندارد

امیراعظم - خواستم يك توضیحی عرض کنم که سوه قاضی شود و البته بیان اصبح و یابغ آقای وزیر عدلیه را که نمیتوانم جواب عرض کرده باشم. بنده هیچوقت منکر این نیستم که اگر يك مملکتی نقصانی دارد اقرار بکنند و باین جهت است که عرض میکنم يك شرطهایی بگذاریم و اینکه فرمودید امتحان ربع ساعت و فورمالینه عرض میکنم ربع ساعت که بنده عرض کردم برای این است که میخواهد امتحان کلینیکی بدهد ربع ساعت وقت میدهند و مریض را میسارند باو يك ربع ساعت بیشتر باو وقت نمیدهند یعنی طبیب در ربع ساعت تشخیص خودش را باید بدهد این را از این نقطه نظر عرض کردم نه اینکه در ربع ساعت تمام معلومات دکترا را از اول تا آخر بفهمند پس در همان تشخیص معلوم میشود که چیست و اما راجع به اطباء مجاز بنده آنوقت هم مخالف بودم ولی این باب دیگر بسته شده است و گمان نمیکند که هیچوقت نظیر پیدا کنند و دیگر هیچ طبیب مجازی حق طبابت نخواهد داشت میفرمایند يك طبیب که دیپلم دارد و یکی امتحان بدهد بنده حق دارم که عرض کنم یکی امتحان بدهد عرض کردم ما اطبایی داریم که خیلی دارای مقامات عالی هستند و زحمت کشیده هستند و خیلی عالم هستند علم که وطن ندارد ایرانی باشد با خارجی فرقی نمیکنند هر کس بیشتر کار کرده و بیشتر معلومات داشته است او مقدم است باین جهت است که عرض میکنم که اینها

را بپذیرند ولی بایک شرایطی البته ایرانی هانم که از خارج می آیند و دارای دیپلم خارجه هستند آنها را هم امتحان بکنید امتحان کلینیکی و هیچ عیبی هم ندارد حالا اکثریت عقیده شان بر این است که امتحان نکنند نکنند

رئیس - آقای دیا

طباطبائی دیا - بنده راجع باین لایحه يك عریضی داشتم چون بعضی از آقایان در آنوقت فرمایشات فرمودند بنده دیگر تکرار نمیکتم ولی این لایحه چنانچه آقایان ملاحظه میفرمایند مربوط به اطباء خارجه است بنده يك عریضی داشتم نسبت بعموم اطباء بدیهی است در مملکت صحت بر همه چیز مقدم است اگر مردم صحیح باشند حقیقه تمام چرخها از کار می افتد حاصل اگر صحت نداشته باشد نمیتواند تحصیل کند منتهی اگر صحت نداشته باشد نمیتواند خدمت کند کارگر اگر صحت نداشته باشد نمیتواند کار بکند و چنانچه عرض کردم اگر مسئله صحت عمومی تأمین نشود تمام چرخهای مملکت از کار می افتد متأسفانه در مملکت ما عجله امروز آنطور که لازم است مردم عادت بورزش نکرده اند و دولت هم اقدام صحیحی در باب ورزش و اجباری بودن آن نکرده است و بهمین جهت غالباً مردم این مملکت مریض هستند و احتیاج به اطباء دارند و اطباء ما هم چه داخله و چه خارجه راجع به اینها هنوز تا امروز قانون تدوین نشده است که از حیث ترتیب اوقات و حق الزحمه يك ترتیبی تعیین شده باشد حالا بنده معذرت می خواهم از چند نفر آقایان اطباء درجه اول که در مجلس تشریف دارند ولی اغلب اطباء اینطور هستند مثلاً اطباء غالباً دو ظهر منتهی تشریف میاورند بمطلب مرضی هم که بتوسط باید مراجعه کنند اطباء تا آنها را ممانته کنند و نسخه بدهند دو ساعت بعد از ظهر است و هیچ معلوم نیست مریض بدینخت چه وقت از مطب خارج میشود و کی دواش را میگیرد از آنطرف راجع به پول دادن بکلورویست که واقفاً مردم طاقت اینطور پول دادن را ندارند مردم این مملکت غالباً فقیرند و مجبور هم

هستند باطباء خوب مراجعه کنند این اطباء هم فرض فرمایند اگر چنانچه يك کسی دو از شب گذشته برود منزل آن طبیب دق الباب کند کسی جوابش را نمیدهد و آنچه که بنده شنیده ام بعضی اطباء درجه اول يك توکرهای بد اخلاقی دارند که اصلاً جواب مردم را نمیدهند و میروند بآن طبیب خبر بدهند و بیچاره آن شخصی که مریض دارد و لازم است که در همان ساعت و همان دقیقه این طبیب حاضر باشد مایوس بر میگردد و همانطور که عرض کردم حق الزحمه در این مملکت برای اطباء زیاد است وقت نمیدهند و اگر هم وقت بدهند حق الزحمه شان فوق العاده است و مردم این مملکت توانائی این حق الزحمه را ندارند تهیه دوا هم که تکلیفش معلوم است. نسخه ها هم ترتیبش معین است. این است که بنده عقیده دارم دولت يك لایحه راجع باطباء کلیه چه قیبه داخله و چه خارجه باید تدوین کند و بموجب مجلس برساند و در تعقیب این عرض خودم هم يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده ام و تقدیم میشود و البته در کمیسیون مطرح میشود. بنده عقیده ام این است که دولت باید يك ترتیبی نسبت بکلیه اطباء بدهد راجع به وظائف آنها از حیث پذیرائی مرضی و حق الزحمه و سایر چیزهای مربوط بمعالجه که معلوم باشد و مردم راحت باشند. چنانچه عرض کردم صحت مردم امروز منوط بوجود اطباء است و اطباء هم البته باید نهایت جدیت را در معالجه مرض بعمل بیاورند و عقیده دارم تا دولت قانونی در این باب بمجلس نیارود و بموجب آن که تکلیف این قسمتها معین شود باین ترتیب عمل نخواهد شد

کتابل وزارت داخله (آفای زرین کفش) - تصور میکنم آن روز در فرا کمیون مشروحاً نسبت بمطالبات آنرا اشاره نمودم و وعده هم دادم که دولت در تهیه است که کلیه راجع بعموم اطباء خصوصاً اطباء قسمت خودمان لایحه تنظیم کند و بمجلس تقدیم نماید و همیتها و نظامنامهائی منگی بآن قانون بنویسد راجع بترتیب حق الملاج و اوقات پذیرائی مرضی و قسمت معالجه

اگر تخطی بکنند از حدود خود اصلاً قابل تعقیب باشد يك چیزی که از حدود صلاحیت شان خارج باشد اصلاً نباید معالجه بکنند تمام اینها تنظیم خواهد شد و تعقیب میشود و البته اینها موجب تأخیر این لایحه نخواهد بود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست

طهرانی - بنده عرض دارم

رئیس - عده میرای رأی کافی نیست. آقای طهرانی فرمایند. طهرانی - بنده با اصل لایحه البته مخالف نیستم البته هر طبیبی که طبابت میکند در مملکت ما باینست دارای معلومات باشد و چیز بداند با این قسمتها هیچکس مخالف نیست بنده هم مخالفتی ندارم فقط در این لایحه نکته که بنظر بنده رسیده این است که اطباء خارجی که بایران می آیند و دولت اجازه میدهد به آنها که طبابت کنند بعد از آنکه معلوم شد که درجه علمی دارند و لایق هستند باینکه طبابت کنند و مشغول بمعالجه امراض شوند عملی برای آنها تعیین کنند و اینها را بجاهائی بفرستند که احتیاج دارند مردم و طبیب در آنها وجود ندارد در صورتیکه بنده باین لایحه و این قسمت ها مخالفتی ندارم ولی با این ماده اساساً مخالف هستم برای اینکه يك حق البته برای دولت هست و گمان میکنم اصلاً قانون لازم نیست اداره صحیه مملکت وظیفه اش این است که هر طبیبی چه ایرانی و چه خارجی که میخواهد طبابت کند مرافقت داشته باشد که این دارای معلومات باشد و بعد از آن مشغول بمعالجه شود مگر اداره صحیه عملش تا بحال غیر از این بوده است. مگر اطباء خارجی میتوانند بدون معلومات در اینجا طبابت کنند؟! (بکنفر از نمایندگان - بلی) خوب این نفس اداره صحیه است قانون نمیخواهد ما در تمام قضایای آن لغاه کاپیتولاسیون کردیم ما میگوییم در محاکم عدلیه بکنفر خارجی بایکنفر ایرانی هیچ فرقی ندارد چطور میشود در مسئله طبابت که چون مردم را میبدهیم دست اطباء این نظر را اجرا نمیکنیم؟! اگر اداره صحیه عمل نکرده باشد و نخواسته باشد که این کار را دنبال کنند نفس از اوست این قانون

لازم ندارد. اینرا اداره صحبه باید عمل کند و طبقه اش این است خوب حالا قانون آوردند بسیار خوب اما همان طور که عرض کردم شغل های آزاد را از برایش اینطور تفییدات معین کردن ابدأ خوب نیست. خاصه که ما هنوز در مسئله طبابت بدرجه کامل رسیده ایم و همینطور که آقای وزیر عدلیه اظهار فرمودند هنوز بدرجه کافی طبیب نداریم. شما نگاه کنید سایر ممالک خارجه و بجاهائی که تهیه طبیب میکنند چه وسائلی اخذ میکنند. فا کولته طب دارند محصل طبیبی که بخرج دولت در آن فا کولته تحصیل میکند موظف است سه چهار سال پنجسال هر کجائی که دولت معین میکند با هر حقوقی موظف است برود طبابت کند بد آب و هوا است خوش آب و هوا است هر چه میخواهد باشد. دولت برای اینکه تمهید بدهد طب را در همه مملکت باید وسیله اتخاذ کند که عملیاتی که در مدرسه طب تحصیل میکنند چه در خارجه و چه در داخله که بخرج دولت تحصیل میکنند اینها مطابق امر دولت موظف باشند هر نقطه را که دولت تعیین میکند برود معامله کند فرض بفرمائید در بزد طبیب ندارد البته بیک محصلی که مستخدمش است امر میکند که برود آنجا طبابت کند. اما ما يك قانونی وضع کنیم که اطبای داخلی یعنی اطباء خودمان و اطباء خارجی هر کس که شغل آزاد دارد ابرائی که پسرش را فرستاده است و يك پولی هم از جیبش داده است و در خارجه تحصیل کرده با در مدرسه طب ایران حقوق داده است و تحصیل کرده است و يك طبیبی شده است حالا که آمده است طبابت کند دولت اینرا مجبورش کند که حتماً باید بروی اسفهان یا بروی بوشهر بنده تصور نمیکنم چیز خوبی باشد برای اینکه شغل آزاد است تحصیل هم از پول خودش کرده است اینرا بگذارید بحال خودش اگر این تحصیل را بخرج دولت و بسرپرستی دولت کرده است مجبور است تا يك مدتی هم مطابق امری که دولت معین می کند با يك حقوقی بسرود خدمت کند ولی در قسمت اول هر دقتی که دولت می خواهد بکند

هر اقدامی که بکند برای اینکه بفهمد این طبیب دارای معلومات هست یا نیست مانعی ندارد برای اینکه البته طبیبی که میخواهد معامله کند البته باید دارای معلومات باشد و هیچکس هم مخالف نیست

رئیس - آقایان: اینکه بنا ورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.
ماده اول - دولت میتواند با طبباء و دوا سازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه اجازه بدهد که بشغل خود در ایران اشتغال ورزند مشروط بر اینکه علاوه بر دیپلم فراغ تحصیل از مدرسی که بموجب نظامنامه از طرف وزارت معارف معین خواهد شد مدارکی ارائه بدهند که لااقل پنجسال اشتغال آنها را مستقلاً بشغل خود در وطن خود مدلل دارد.

رئیس - آقای شریعت زاده: بنده راجع باین لایحه از لحاظ کلیات عراضی داشتم اما چون در جواب اظهاراتی که بعضی از همکارهای محترم فرمودند توضیحاتی داده شد و مطالب روشن شد دیگر عرضی ندارم ولی راجع باین ماده دو نظر دارم یکی اینکه مقرر شد که این اطباء باید پنجسال در طبقه طبابت و اشتغال طبابت داشته باشند باین شرطی که در وطن خودشان باشند بنده این شرط را ضرورتش را نمی فهمم مثلاً فرض کنید اگر يك فرد انگلیسی در یکی از شهرهای فرانسه تحصیل کرده باشد و در آن مملکت پنجسال طبابت کرده باشد این مانعی ندارد و حتماً باید در انگلستان معامله کرده باشد بنظر من این مطلب قابل اصلاح است این موضوع اشتغال بشغل طبابت تا فلان مدت در فلان مملکت این قید يك چیزی است که ممکن است با احتیاجاتی که مادر این مملکت داریم بطیب معارضه کند. بکفایت دیگر راجع است بمدت پنجسال بنده میخواستم آقای کفیل وزارت داخله در این باب توضیحی بدهند که تأمین مجوز دادن اجازه برای طبابت چیست اگر يك امری در مرصخانهها سم موافقت داشته باشد و چندسال هم در آنجا کار کرده باشد

بدهم چندسال طبابت کرده باشد دلیل اینکه باید با اجازه بدهند چیست. ما که از لحاظ احتیاج صدور اجازه بابت مدتهاست و قانون وضع میکنیم آن احتیاج مقتضی است که ما جربانی اتخاذ کنیم که همان احتیاج را هم ما بتوانیم رفع کنیم. در قسمت امتحان هم عراضی داشتم که فعلاً مورد بحث نیست.

کفیل وزارت داخله - آن قسمتی را که آقای محترم فرمودند و بنظر بنده باید جواب عرض کنم این است که میخواهند مطابق باشد یعنی شرط پنجسال اعم باشد یعنی خواه در آن مملکتی که تحصیل کرده و از آنجا دیپلم گرفته پنجسال طبابت کرده باشد یا در هر مملکتی. این شرط را دولت نمیتواند قبول کند چرا؟ برای اینکه همانطور که ملاحظه میفرمائید دامنه افرات در مملکت خود ما پیش آمده است که ما مجبور شده ایم که این قانون و نظایر این را بمجلس محترم تقدیم کنیم. ممکن است در ممالک دیگر هم همین مسامحه وجود داشته باشد پس نمی شود اجازه داد که دیپلم را از فا کولته مدرسن پاریس بگیرد ولی استعمالش را در کشن شین نموده باشد این است که این را صلاح نیست که ما قبول کنیم. و صلاح این است که از همان مملکتی که دیپلم گرفته باید در همانجا اشتغال داشته باشد باید دکتر تمام عیار باشد دکتری باشد که در خاک فرانسه حق معامله داشته باشد.

رئیس - آقای رهنما: اعزاضی را که نماینده محترم راجع بماده اول فرمودند و جوابی را که نماینده محترم دولت دادند بقیه من يك جواب صحیحی بشوال ایشان نبود و گمان میکنم يك سوء تفاهمی برای آقای کفیل وزارت داخله پیدا شد که درست جواب ندادند. مقصود آقای شریعت زاده و سایرین و بنده این است که این ماده گنگ است زیرا می نویسد آن کسیکه دیپلم طبابت در دست دارد باید در وطن خودش پنج سال طبابت کرده باشد در توضیحات خودشان آقای کفیل وزارت داخله فرمودند ممکن است در آن نقطه که دیپلم گرفته خدمت کرده باشد ولی این ماده آن را نمیرساند این ماده منحصرأ میرساند که باید در وطن خود یعنی اگر بکنفر روسی در پاریس تحصیل

کرده باشد پنج سال هم در روسیه عملاً خدمت کرده باشد اگر منظور دولت این است که پنجسال یا در وطن خود یا در جای دیگر کار کرده باشد باید اینجا توضیح داده شود که يك قدری روشن شود که در عمل دست خود مجربان قانون در قید نباشد. این يك مسئله قسمت دوم این است اساساً بنده میخواستم این را عرض کنم که مسئله طبابت در همه جای دنیا همه جای دنیائی که شاید آنها را نمیگویند که آنها احساسات ضد خارجی دارند همان جاها ممنوعند. در فرانسه طبیب خارجی را اجازه نمیدهند. در انگلستان هم اجازه نمیدهند. در ترکیه هم نمیدهند. در عراق اطبای داخلی خودشان را هم می آیند يك پولی ازشان میگیرند پنجاه رویه نمیدانم چند است بنده اطلاع دارم که دکتر موسی خان فیض طبیب سفارت میخواست آنجا طبابت کند يك مبلغی از او گویا پانصد رویه از او حق میخواستند. مسئله طبابت يك مسئله خیلی سهل و آسانی نیست که ما اول کسی باشیم که آمده ایم اشکال در مقابلش گذاشته ایم خیر در ممالک خارجه بیشتر از اینها اشکال در مقابل اطبای خارجه میگذارند صد برابر پیش از این جا است حالا ما میگوئیم که البته ما میخواهیم تسهیلات بیشتری از ممالک اروپا قائل شویم بسیار خوب کسی هم نظری ندارد ولی در اینجا يك اصلی باید رعایت شود و آن اصل این است که بنام انسانیت و بنام اینکه می آیند در این مملکت البته این آقایانیکه می آیند مملکت ما اطبای خوبی هستند تحصیل کرده اند ولی نمی توانم عرض کنم که اینها يك پروفسورهای درجه اولی هستند مثل اطباء مملکت خودمان هستند زیرا اگر از درجه های عالی باشند در مملکت خودشان و بزرگی که بهشان میدهند هر کدام چهار صد پانصد هزار، هزار و پانصد فرانک است و برای چهار پنجفران حق و بزرگی اینجا نمی آید پس بنابراین آنهم که می آید در هر صورت يك شکلی است که متناسب با این جا است پروفسور نمی آید اطباء معمولی می آیند خوب حالا که این اطباء معمولی می آیند این جا باینسی همین نمیدانم که یکسومش از نقطه نظر طبی و لیاقت آن شخص و يك قسمت هم از نقطه نظر کمک مردم باشد و این عقیده جمعی از آقایان است که اینها که می آیند اینجا کاری بکنند (حالا که مالیاتی از طبابت طبیبان نمیگیریم) بکنند یعنی تمام

انسانیت در یکی از نقاط مجانی معالجه کنند. بنده نمیدانم یک نفر طبیب خارجی که می آید این جا چه مانی دارد که در سال معاق قانون مکلف باشد در نقاطیکه مسجیه مین میکند یکماه مجا خدمت کند از قضا نظر انسانیت از قضا نظر بشریت از قضا نظر اینکه استفاده میکنند در این مملکت از قضا نظر این که تقاطی هست در این مملکت که احتیاج دارند این چه ضروری دارد و اگر در این قانون اجازه میدادند بنده این پیشنهاد را راجع با طبای داخلی هم مینمودم اطباء خارجی مکلف باشد بجای پولی که در بعضی ممالک می پردازند و در بعضی ممالک اصلاً اجازه نمیدهند به آنها برای طبابت یکسال در نقاطیکه احتیاج دارند مجاناً کار بکنند مادرحال حاضر احتیاج مبرم داریم باین اصل ما خودمان از طهران که خارج می شویم در ولایات در دهات و قصبات طبیب نیست نمی روند آنجا طبابت کنند و چرا نمی روند برای اینکه استطاعت ندارند که آن پول را جیب بدهند و بقول بعضی از رفقا دوام نیست ولی اگر این طبیب خودش را مکلف کند که در آنجا مجانی معالجه کند البته مسجیه هم دومی مجانی میفرستد و ما نباید دلمان خوش باشد باینکه ده تا دکتر خوب بایر و قور خوب تهیه کرده ایم آنها منحصر بشهر طهران است خیر آنها باید مکلف باشند که بجای دیگر هم بروند مثلاً اطبایی هستند که اجازه گرفته اند در مشهد طبابت کنند این ها باید در همان جا بدستور اداره مسجیه يك ماه در سال مجانی معالجه کنند برای رعایت حال مردم و از لحاظ انسانیت و خدمت بجامعه که از آنها استفاده میکنند از قضا نظر عمل هم نسبت بسایرین يك قدم بلندتری برداشته ایم در سایر ممالک اجازه نمیدهند با طباء خارجی و حق میگیرند از سایر دکتورها که ما اینکه از دکتورها که در قوت بداد بوده است باند رویه گرفته اند و حالا ما که اجازه میدهم باینها طبابت کنند ما که این حق را نمیگیریم ولی بنام انسانیت میتوانیم از آنها تقاضا کنیم که در سال يك ماه معاق دستور مسجیه بروند در آنجا مجانی معالجه کنند و بنده در ماده سوم راجع باین قسمت این پیشنهاد را عرض خواهم کرد

کفیل وزارت داخله - فرمایش آقای رهنما ماز با ساحل نجان که تمام شدن کار باشد نزدیکتر کرد نظر بنده

این است شاید دولت هم مخالف نباشد از این که يك اصلاحی را نسبت به پنجمال که در ماده اول ذکر شده است بطوری که چند نفر از آقایان محترم هم مقدماً صحبت کردند بکنند و البته پیشنهاد بکنند در کمیسیون مورد شور و مذاکره واقع می شود و اما راجع به يك ماه خدمت مجانی این راهم خیال میکنم که اگر در کمیسیون مورد معالجه واقع شود هیچ عیبی ندارد ولی تنظیم کردن این کار خیلی مشکل است یعنی اول يك آدمی را بخدمتی و مسئولیتی گماشتن و توفع کار مجانی از او داشتن این خیلی مشکل است ولی بهر حال اگر کمیسیون تحت معالجه و نظر فرار دهد که بشود تحت يك نظمی در آورد این قسمت راهم مخالف نیستم

ولیس - آقای فهیمی

فهیمی - در این لایحه به قید بنده یک قدری جنبه افراط و تفریط دارد پیش می آید بجهت این که ملاحظه ملاحظه آقایان اطباء را در این لایحه نباید بکیم يك عطف توجهی هم به آقایان مرضی باید کرد آقایان ملاحظه نباید کرد که مادر طهران يك عده اطباء تجربه کرده عالم داریم یک قدری که از طهران بیرون برویم آنوقت می بینیم که مردم گرفتار دست چه اشخاصی هستند که هیچ از طبابت پولی نشنیده اند بطور مثال قضیه را برای آقایان عرض میکنم چند سال قبل بنده رفقه بودم به آب گرم و آمدم در مراجعت بدمان و دستوال کردم از تریبیات صحی و طبای آنجا گفتند يك طبیبی هست این جا مراجعه میکنند به او سیف الاطباء میگویند بنده تصور کردم همان سیف الاطباء خودمان است که حالا در افغانستان است او خواهد بود پرسیدم گفتند که يك شهیدی محمدی است باغبان طبابت میکند و سیف الاطباء است گفتم خوب لقب سیف الاطباء را از کجا آورد گفتند چون نومی باغ صیفی کاری دارد از این جهت است. این جور اطبا بجان مردم افتاده اند پس اگر این اطبایی که از خارج می آید و باین شرایطی که در این قانون ذکر شده است دولت آنها را مکلف کند در ولایات کار کند اولاً مفهوم این آن باشد که دولت میخواهد مخالفت کند باینک طبیب و شغل آزادی بخوری که آقای رهنما این جا اشاره کردند در غالب ممالک که اشخاص خارجی میخواهند در آن جا طبابت کنند نمیگذارند برای این که راه را

برای اطبای خودشان باز بگذارند اما اشخاصشان را دارند و این کار را میکنند ما اشخاصش را نداریم برای تمام مملکت. بنابراین نمیخواهیم ممنوع کنیم اینها را از طبابت و ضمناً هم ممنون می شویم که آنها در مقام این بریابند که کمکی هم بمرضای ولایات بکنند و اگر گفته میشود باینها که بروند در ولایات کار بکنند برای این است که بازارشان بهتر رواج دارد و مریض بیشتر دارند و دخلشان بیشتر است و بیشتر استفاده میکنند البته دولت در این صورت نمیخواهد از قبیل آن سیف الاطبای دماوندی داشته باشد و خیلی دولت مبل دارد يك عده اطبای تحصیل کرده با تجربه داشته باشند باینکه دوباره مردم را گرفتار يك اشخاص بی-واد دیگری کرده باشد نهایت در این ماده دو چیز است که بنده آرا لازم میدانم تذکر بدهم که اصلاح شود یکی این مسئله که در وطن خودش طبابت کرده باشد یا عمل دیگر دیگر اینکه در مدرسه که وزارت معارف معین خواهد کرد تحصیل کرده باشد لازم نیست محل تحصیل را وزارت معارف معین کند که در کجا تحصیل کرده باشد در یکی از فاکولته های طبیی ممالک متمدنه که تحصیل کرده باشد این کافی خواهد بود که بطور کلی اگر چه شاید مقصود این باشد که در یکی از فاکولته های رسمی تحصیل کرده باشد ولی اینجا طوری عبارت اوشته شده است که باید وزارت معارف معین کند که اینها در کدام مدرسه تحصیل کرده باشند تقبول بشوند بنظر بنده خوب نیست فقط در یکی از فاکولته های رسمی اگر تحصیل کرده باشند و پنجمال هم طبابت کرده باشند کفایت میکنند و میشود آنها را فرستاد بولایات و اینطور هم وانمود نشود که این يك جریه و يك تقصیری است از برای آنها که در مرکز نباشند و بروند بولایات خیر برعکس ما میخواهیم در ولایات هم يك اشخاصی بروند که در آنجا تمرکز پیدا کنند تا وقتی که شاگردهای دیگر از مدرسه طب بیرون بیایند و این را هم بنده عرض کنم چون خودم شاگرد مدرسه طب بوده ام که آقایانیکه در مدرسه طب کار میکنند و تحصیل میکنند و بیرون می آیند بنده که بنوبه خودم هیچوقت آنها مراجعه نمیکنم ساین را چه عرض کنم

برای اینکه هم طرز تحصیلانشان را میدانم و هم عملیانشان را میدانم بنده عرض میکنم آقایان میدانند که طبیب سر بالین مریض تحصیل میکنند نه روی کتاب اینجا اصلاً دیکسیون نمیدانند طبیب يك درسی را باید يك هفته بخواند و بنویسد و برود امتحان بدهد این چالبنه آن وسایل را ندارند کجا اشتریح کرده است کجا اشتریح مریض کرده اند اینها را ندیده اند وقتی که ندیده اند نمیشود البته از آنها این توقع را داشت از روی کتاب شخص نمیتواند تشخیص بدهد که سبب يك چیست این را نمیتواند از روی کتاب تشخیص بدهد چندین مرض است که علامتش مثل یکدیگر است چنانکه غالباً هم آقایان ملاحظه فرموده اند همین چند روزه يك طبیبی را دیدم که مالاریا را با توبرکولز اشتباه کرده بود و میخواست مالاریا را با توبرکولز يك جور معالجه کند و مریض بدبخت در حال نزع بود بالاخره معلوم شد که مالاریاست اینها اشتباهی است که غالباً رخ میدهد بواسطه ندیدن عملیات و حالا خوشوقتانه ما اطبای با تجربه و با اطلاع و تحصیل کرده داریم که بدرد مردم میرسند اما برای ولایات باید يك کمک هائی کرد و بوجود يك نفر طبیب مجازی که بطریق فرمالیته يك امتحانی داده است و جلو رفته است نباید اکتفا کرد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ولیس - آقای دکتر لقمان ادهم آخرین شخصی هستند که فرمایشی دارند اگر موافقت میفرمائید؟ (نمایندگان - بفرمائید)

دکتر لقمان ادهم - عراضی که بنده داشتم يك قسمتش را بعضی از آقایان محترم فرمودند بنده اصولاً با این لایحه مخالف نیستم ولی تصور میکنم که يك قسمتهائی در این لایحه يك موادی اگر علاوه شود بهتر است یکی این که در جواب آقای فهیمی که راجع به شاگردان مدارس طب فرمودند شاید در چند سال پیش اینطور بوده و اینکه بنده دفاع میکنم برای این است که خودم در آن جا هیچ سنی ندارم و نه با اصطلاح استفاده از آنجا میکنم که بخوام دفاع کنم

ولی مدرسه طب حالیه از چند سال باین طرف واقفاً يك نریب صحیحی پیدا کرده است اگر مسئله تشریح نبست ولی در قسمتهای دیگر خیلی خوب است تشریح فقط برای جراح لازم است تشریح برای طبیب آنقدر ها لازم نبست طبیب باید وظایف الاعضاء را بداند ولی جراح باید تشریح را کاملاً بداند که وقتی میخواهد فلان شریان را ببرد یا فلان عضورا عمل کند بداند که چطور عمل کند و شاگرد های حالیه مدرسه طب همان بنده از آنها بدون طرفداری عرض میکنم آنها را که بنده دیده ام خیلی خوب تحصیل کرده اند و آنها هم که رفته اند بخارج در مدارس خارج جز شاگردان اول شده اند یعنی در مدارس خارج معلومان کاملان بدرد خورده و استفاده کرده اند. یکی دیگر مسئله اطبای خارج اینکه ما عراضی میکنیم از نقطه نظر ضد خارجی نیست تمیخرا هم بگوئیم اطبای خارجی بد هستند و ما ضد خارجیها هستیم در هر مملکتی افراد مملکت بیشتر حق دارند از آن مملکت استفاده کنند بطوری که در سایر ممالک هم فدغن و ممنوع است که اطبای خارجی در آنجا طبابت بکنند حتی بنده خودم که در فرانسه تحصیل کرده ام در خود فرانسه حق طبابت ندارم مگر اینکه بروم تابع فرانسه شوم تابعیت را که قبول کردم حق خواهم داشت زیرا تحصیلانی که اطبای ایرانی در آنجا میکنند محدود نیست و بهمان اندازه است که خود آنها تحصیل کرده اند و میکنند فقط برای اینکه خارجیها نیابند آنچه بمانند این قسمت را محدود کرده اند باینجا داخله شان حتی تا چند سال پیش رومیها و یونانیها را چون سابقه طب در یونان و روم بوده است فرانسویها اجازه داده بودند که در فرانسه طبابت بکنند ولی بعد که دیدند خیلی زیاد شده است آنها را هم فدغن کردند قسمتی را که میخواهم عرض کنم راجع بجواز بود اغلب ممالک دیگر شاگردانی که در ممالک دیگر تحصیل میکنند و میروند آنجا شروع میکنند طبابت مجبورند تمام مخارج فاکولته را حتی مصارف فاکولته را از سال اولش یعنی از سال ابتدائی تا آن سالی که این معادل شده است و به او اکووالانس دادند

باید تمام آن مخارج را به فاکولته بدهد تا او را قبول کنند که از سال دوم یا سوم بتواند شروع کند اطبائی که می آیند به مملکت ما ما خودمان هم که تحصیل طب میکنیم یا در خارج تحصیل طب کرده ایم ما در مملکت خودمان يك مخارجی کرده ایم اینها هم در مملکت خودشان تحصیلات و مصارف کرده اند ولی در مملکت ما هیچ خرجی نکرده اند وقتی هم که در ایران می آیند اغلب نظرشان این است که جزء اطباء درجه اول باشند و حق و برزیشان هم باید بیشتر باشد و بنسب اطبائی درجه اول حق معایشان هم اغلب بنسب داخله آنها بیشتر باشد پس در اینصورت از این استفاده هائی که میرند باید به مملکت هم چیزی عاید شود همینطوری که عرض کردم و آقای رهنا هم فرمودند که در خارج از اتباع داخلی خودشان مثلاً پنج تومان میگیرند از اتباع خارجی ده مقابل میگیرند پس در اینصورت چه مانعی دارد که ما هم از آن اطبائی که می آیند اینجا و استفاده های کلی هم میکنند خیلی متعول میشوند يك مبالغی هم پول خودشان را بخارج فرستاده اند وقتی که به اینجا آمدند هیچ نداشتند نه از نقطه نظر ضد خارجی است خیلی هم ممنون هستیم که می آیند اینجا و کار میکنند و اگر اطبای قابل باشند خدمت میکنند به مملکت باید بروند در جاهاییکه ما طبیب نداریم و بمردم خدمت بکنند ما باید بتوانیم آنها را هم يك اندازه تجبه کنیم چون در میان همین اطبای خارجی هم که دیده میشود يك نسخه در مجله دوا سازی چند وقت پیش بنده دیدم مال یکی از اطبای خارجی بود و از موادی که اغلب با هم مخالف هستند يك معجونى مثل معجونهای قدیم درست کرده که آدم نمیفهمد چه چیز است بنده که نفهمیدم چه منظوری از این دوا دارد چه منظوری از این نسخه دارد خاصیت کدام يك از این پنج قلم دوائی که قلمی کرده است منظور نظر دارد و می خواهد چه خاصیت داشته باشد مسکن باشد تهییج بکند محرك است مفوی است ضد تب است ضد توبه است تمام اینها را قلمی کرده است پس این را

هم باید در نظر گرفت که اشخاصی که می آیند اینجا دیپلماتان را باید دید و معاوالتشان را باید سفید آن وقت اجازه داد ما هم مخالف نیستیم که اطبای خارجی بیایند این جا طبابت بکنند همینطور که در لایحه هم نوشته شده است اجازه هم داده می شود و هیچ مانعی هم ندارد ولی در جاهائی که ما بیشتر محتاج به طبیب هستیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد راجع به ماده اول رسیده است قرائت می شود و به کمیسیون ارجاع می شود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست پیشنهاد می شود در ماده اول بجای پنجسال نوشته شود از يك سال تا هشت سال به تشخیص وزارت معارف

پیشنهاد آقا روحی

پیشنهاد می کنم که مدت پنجسال اشتغال به طبابت که در ماده اول ذکر شده شامل اطبای خارجی که قبل از این قانون در ایران مشغول به طبابت بوده اند نشود رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - اداره کل صحتیه بر طبق نظامنامه که بصوب وزارت داخله خواهد رسید جواز و محل اشتغال دار طلب را در هر نقطه که صلاح باشد صادر و معین خواهد کرد.

رئیس - ماده سوم قرائت می شود.

ماده سوم - اطباء و دوا سازان و دندان سازان و قابل های اتباع خارجه که قبل از این تاریخ در ایران اشتغال بمشغل خود داشته اند نیز مشمول این قانون و دو نظامنامه مزبور خواهند بود ولی مدت مذکور در ماده دوم در مورد آنها فقط در سال لازم الرعایه است

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - قبل از این تاریخ آقایان اطبای اتباع خارجه که می آمدند بایران برای اشتغال بطبابت مدارك تحصیل و اسنادی که داشتند و حاکی از معلومات آنها

بود ارائه میشد و پس از آنکه اجازه می دادند مشغول طبابت می شدند و در احتیاج مملکت هم به طبیب چنانکه مذاکره زیاد شد بنده هیچ تردید نمی کنم ولی مطلبی که بنده می خواهم عرض کنم راجع باطبائی است که قبل از این تاریخ مشغول بطبابت بوده اند و در این ماده نوشته شده است که مدت مذکور در ماده اول که اشتهاها دوم نوشته شده است پنج سال باید در وطن خودشان امتحان شغل طبابت را داده باشند نه بتوانند در ایران طبابت کنند ولی نسبت باشخاصی که قبل از این قانون مدت را تنزل داده اند به دو سال بنده خیلی لازم میدانم که نسبت بمدارك تحصیلی این اطباء دقت شود ولی در موضوع مدت بنده تصور میکنم کسانی که تا این تاریخ مشغول طبابت در ایران بوده اند اگر چنانچه مدارك تحصیل آنها کافی باشد دیگر مدت در سال اشتغال به طبابت در وطن خودشان نسبت بآنها لازم نباشد و این عرض بنده هم البته بك مطلب اساسی است که همیشه باید اصلاحات را در آینده تعقیب کرد و رعایت کرد در گذشته اگر بخواهیم قوانین را مشمول بدهیم این اسباب زحمت میشود و خرج میشود پیشنهادی هم در این باب بنده تقدیم کرده ام که نسبت به آقایان اطبائی که مدتها است در اینجا طبابت میکنند فقط قسمت مدارك تحصیلشان باید رعایت شود و مورد نظر باشد در واقع مدت نسبت بآنها لازم نیست که حتماً معین باشد که دو سال یا کمتر یا بیشتر در وطن خودشان مشغول بطبابت باشند برای اینکه يك اشخاصی که مشغول طبابت بوده اند و نمیشود بانها گفت که اگر شما سابقه طبابت در مملکت خودتان ندارید بر گردید بروید ب مملکت خودتان چند سالی طبابت بکنید دوباره بر گردید ولی البته منطقی و صحیح است که بانها گفته شود شما باید معلوماتتان کافی باشد که در مملکت ما طبابت کنید این است که بنده

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

رئیس - آقای شریعت زاده.

پیشنهاد آقای شریعت زاده

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

قانون

اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم

(مصوب کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده - نسبت باحوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان بر سبب شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع بانظمامات عمومی باشد بطریق ذیل رعایت نمایند:

- ۱ - در مسائل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.
- ۲ - در مسائل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی.
- ۳ - در مسائل مربوطه به فرزند خواندگی عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است.

چون بموجب قانون ۴ تیر ماه ۱۳۱۲ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقص را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید علیهذا (قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم) مشتمل بر یک ماده که در تاریخ سی و یکم تیر ماه یک هزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراء است.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شریعت لاده - عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میبکنم جلسه آخر ماده ۳ بطریق ذیل اصلاح شود:

ولی مدت مذکور در ماده اول در مورد آنها لازم الزامی نخواهد بود.

پیشنهاد آقای بهبهانی

پیشنهاد مینمایم قسمت اخیر ماده ۳ بنحو ذیل اصلاح شود:

فقط مدت مذکور در ماده اول در مورد آن مجری نخواهد بود ولی باید اولاً دو سال سابقه طبابت در محل خود یا در جایی دیگر از داخله یا خارجه داشته باشند.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود.

ماده چهارم - هر وقت هیئت وزراء عده اطباء و دوا سازان و دندان سازان و قبایله های اتباع خارجه را در ایران کافی بداند وزارت معارف از رسیدگی بدیلم یا شهادتنامه آنان خودداری کرده و وزارت داخله جواز اشتغال نخواهد داد.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - وزارت معارف و وزارت داخله مأمور اجرای این قانون میباشد.

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده مرفوع بدست نیاردم در مواد پیش عرض بکنم اینجا خواستم سؤال کنم که اطباء

خارجی که اینجا اجازه دارند و کار میکنند چه مالیاتی میدهند برای اینکه بالاخره يك مالیات بر عایداتی هست هر کسی که از مملکت استفاده میکند از عوائد او هم مملکت باید استفاده کند استدعا میکنم در این باب توضیح بدهند چه ترتیبی در این باب اتخاذ کرده اند.

کفیل وزارت داخله - بنده مخالف نیستم اگر مجلس محترم بخواهد حق الجوازی همین کنند (صحیح است).

رئیس - ماده الحاقیه از طرف آقای طباطبائی دینا رسیده است قرائت میشود:

ماده الحاقیه - دولت مکلف است در اسرع اوقات قانونی تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم دارد که در آن قانون وظائف اطباء عموماً از حیث ترتیب پذیرائی مرضی و حق الزحمه و سایر امور مربوطه بهما ملحقه همین شود.

رئیس - چند فقره پیشنهادهایی راجع به ماده اول و دوم رسیده است چون از آن عبور کرده ایم فرستاده میشود بکمیسیون. آقایانی که موافقت دارند بورد در شور دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - گمان میکنم برای آقای وزیر عدلیه که اصرار داشتند که کارهای خودشانرا بگذرانند مجالی دیگر باقی نمانده باشد اگر اجازه میفرماید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز یکشنبه هفتم امرداد سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح وزارت عدلیه.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر